

زبان، بافت و متن: ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی

مایکل هلیدی و رقیه حسن، ترجمه محسن نوبخت. تهران، سیاه‌رود، ۱۳۹۳.

چاپ نخست، ۲۶۳ صفحه.

۱. بررسی شکلی

کتاب، طرحی از نقوش اسلامی در پس‌زمینه دارد، به همراه تصویری از یک زبان بیرون‌آمده از دهان که به نظر نشانه یک گروه موسیقایی غربی است. این تصویر علاوه بر اینکه تصویری تقلیدی است و به احتمال مجوزی هم از صاحب اثر یا گروه منتسب به آن ندارد، تصویری به کلی نامرتبط با موضوع کتاب است؛ مگر اینکه فرض کنیم ناشر، تفاوت میان زبان به معنای وسیله ارتباط^۱ را با زبان به عنوان عضوی از بدن انسان^۲ نمی‌داند و بسیار انتخاب نامناسبی است.

کتاب دارای دیباچه و بیان صریح هدف، مقدمه فصل، نتیجه‌گیری، فهرست مطالب تفصیلی، جدول و تصویر و فهرست منابع است. از نظر حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کیفیت کتاب در کل قابل قبول است. اما بر شیوه غیرمعمول تنظیم «واژه‌نامه» کتاب می‌توان خرده گرفت. بهتر بود که به جای صورت کنونی که به گونه‌ای موجب درهم‌شدن واژگان فارسی و انگلیسی شده است، در یک ستون واژگان فارسی می‌آمد و در ستون مقابل، برابرهای انگلیسی آنها.

صحافی کتاب خوب است. در صفحه شناسنامه، اندازه حروف شناسنامه بسیار ریز و خواندن آن برای مخاطب دشوار است. در صفحه ۱۴ این بخش، نقص صفحه‌آرایی وجود دارد؛ یعنی زیرنویس صفحه قبل به این صفحه منتقل شده است و ارجاع (هلیدی، ۲۰۰۴: ۴۳) در صفحه ۱۴ باید به صورت لاتین بیاید. همچنین است ارجاع (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۳) در صفحه ۱۹.

علاوه بر مطالب بالا، کتاب در ابتدا هر یک از نویسندگان را در یک صفحه معرفی می‌کند و سپس قسمت‌های حاوی قدردانی، مقدمه مترجم و در پایان بخش‌های منابع، مطالعه بیشتر و واژه‌نامه است.

1. language

2. tongue

کتاب از آغاز تا پایان شامل ۲۶۳ صفحه است. بنابراین حجم آن متناسب با یک درس دوواحدی است. همچنین با توجه به آنکه این کتاب به احتمال بسیار در کنار کتاب دیگری در درس‌هایی چون تحلیل گفتمان یا کاربردشناسی به دانشجو معرفی می‌شود (به عنوان کتابی کمکی یا مکمل)، حجم کمابیش کم آن، امکان مطالعه آن در کنار کتاب دیگری را به یادگیرنده می‌دهد.

نکته درخور تأمل، رسم‌الخط کتاب است. در این رسم‌الخط، ضمایر متصل (م، ت، ش، مان، تان، شان) منفصل و به صورت (ام، ات، اش، مان، تان، شان) نوشته می‌شود که باتوجه به کتاب دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در صفحه ۲۵ این دستورالعمل که باید مورد پذیرش همه نویسندگان و ناشران باشد، آمده است: ضمایر ملکی و مفعولی [م، ت، ش، مان (مان)، تان (تان)، شان (شان)] در حالات شش‌گانه، همراه با واژه‌های پیش از خود به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

- کلمات مختوم به صامت منفصل (برادر: برادرم، برادرت، برادرش، برادرمان، برادرتان، برادرشان)
- صامت متصل (کتابم، کتابت، کتابش، کتابمان، کتابتان، کتابشان)
- «و» با صدایی نظیر آنچه در «رهرو» به کار رفته است (رهروم، رهروت، رهروش، رهرومان، رهروتان، رهروشان)
- «آ» همراه با «ی» میانجی (پایم، پایت، پایش، پایمان، پیتان، پایشان)
- «و» با صدایی نظیر آنچه در «عمو» به کار رفته است (عمویم، عمویت، عمویش، عمویمان، عمویتان، عمویشان) که در ضبط محاوره‌ای یای میانجی هم حذف می‌شود (عموم...).

در موارد بالا باید ضمایر پیوسته به مرجعشان بیایند و موارد استثنا به صورت زیر است:

- «ب»: های بیان حرکت پیش از ضمایر ملکی مفرد همراه با میانجی همزه مثل خانه (خانه‌ام، خانه‌ات، خانه‌اش، خانه‌مان، خانه‌تان، خانه‌شان)
- «ای»: پیش از ضمایر ملکی مفرد با میانجی همزه (پی‌ام، پی‌ات، پی‌اش، پی‌مان، پی‌تان، پی‌شان)

— «و» با صدای نظیر آنچه در «رادیو» به کار رفته است، پیش از ضمائر ملکی مفرد همراه با میانجی همزه (رادیوام...) که در محاوره همزه و مصوت آغازی آن حذف می‌شود: «رادیوم خراب شد» و نه «رادیوام...».

ناشر در چاپ کتاب این دستورالعمل را رعایت نکرده و مواردی مثل «بافتاش» به جای «بافتش» و «کتاباش» به جای «کتابش» در سراسر متن به چشم می‌خورد.

۲. بررسی محتوایی

کتاب دارای یک دیباچه و دو بخش اصلی است. بخش اول نوشته ام. ای. کی هلیدی، دارای سه فصل و یک خاتمه است (بافت موقعیت متشکل از مقدمه، زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، زبان، بافت و متن، تنوع سیاق متشکل از مقدمه، ویژگی‌های زبانی و موقعیتی بافت، گستره متن، نقش متن، شیوه متنی، متن و بافت: پیش‌بینی یکی از طریق دیگری، مفهوم سیاق، گوناگونی در انواع سیاق، سیاق‌ها و گویش‌ها، خاتمه متن، بافت و یادگیری متشکل از متن به منزله سازه‌ای فرانقشی، بافت موقعیت، میان متنت، پیوستگی، متن، بافت و یادگیری).

بخش دوم نوشته رقیه حسن در سه فصل و یک خاتمه است: فصل ۴ (ساختار متن شامل مقدمه، ساختار متن به چه معناست؟ متن و بافتش، ترکیب‌بندی بافتی، متن و ژانر آن: ظرفیت عام ساختار؛ جایگاه عناصر اجباری در ظرفیت ساختار؛ بافت، ژانر و ساختار متن)؛ فصل ۵ (بافتار متن شامل مقدمه؛ بافتار چیست؟؛ بافتار پیوندهای انسجامی و ابزارهای انسجامی؛ بافتار متن‌ها، بافتار و پیوستگی متنی؛ بافتار پیوستگی و معلم)؛ فصل ۶ (هویت متن شامل مقدمه؛ چه چیزی یک ترکیب‌بندی بافتی به حساب می‌آید؟؛ چه چیزی یک ژانر به حساب می‌آید؟ متن و بی‌مانندی‌های آن).

در مواردی متن کتاب روان نیست. بهتر بود در ترجمه پاره‌گفتارها به گونه‌ای عمل می‌شد که روان بودن متن با مفهوم بودن پاره‌گفتار همراه باشد. برای نمونه به پاره‌گفتار زیر از صفحه ۱۵۸ توجه کنید:

«در ترکیب‌بندی‌های بافتی‌ای که فاصله اجتماعی رو به کمینگی دارد، صحبت می‌تواند

به سمت تعامل رود و تغییر مسیر دهد...».

در پاره‌گفتار بالا، گرایش مترجم به فارسی‌گرایی (درباره واژه «کمینگی») موجب شده است که علی‌رغم روان بودن متن، مفهوم کلی پاره‌گفتار چندان روشن نباشد.

برخی از ایرادهایی که از نظر رعایت قواعد ویرایش و نگارش می‌توان بر کتاب گرفت عبارتند از:

- در مواردی در زیرنویس‌های انگلیسی کتاب و البته در جاهای دیگر، به بزرگ‌نویسی حرف اول برخی واژه‌ها بی‌توجهی شده است، یا یکدستی در آنها دیده نمی‌شود:
- center for advanced study on the behavioural Science (ص ۶)
- cohesion in English (ص ۷)
- Oxford university press (ص ۳۲، در نشانی آخرین منبع)
- بهتر بود به‌جای واژه «لیسانس» (صص ۵ و ۷) از واژه «کارشناسی» بهره گرفته می‌شد که اکنون در زبان فارسی مصطلح است.
- Northwestern (زیرنویس ۵ ص ۷) در متن به‌صورت «نورث‌وترن» نوشته شده است که اشتباه است.
- ایلی‌نویز، نامی خاص است که در صفحه ۶ اجزای آن در پایان و آغاز دو خط نوشته شده است، بی‌آنکه با «-» به‌هم وصل شود.
- واژه‌هایی چون «پیروانش» (ص ۹)، «آن‌ایم» (ص ۲۱)، «متفاوت‌اند» (ص ۲۳)، «نظام‌اش» (ص ۲۵)، «صاحب‌نظران‌ام» و «مایل‌ام» (ص ۳۱) و... در نوشتار فارسی تاکنون به ترتیب به‌صورت «پیروانش»، «آنیم»، «متفاوت‌ند»، «نظامش»، «صاحب‌نظرانم» نوشته می‌شده‌اند. به نظر می‌رسد بهتر است با هدف آشفته‌تر نشدن خط فارسی، همچنان به همین صورت نوشته شود.
- در مواردی با اشتباهات تایپی هم در متن روبه‌رو می‌شویم: «منظقی» به‌جای منطقی (جدول ص ۱۶)، «وژگی‌های» به‌جای ویژگی‌های (ص ۱۸)، «شغال» به‌جای اشغال (ص ۱۹)، «انواه» به‌جای انواع (ص ۲۴) و... .
- همچنین در بخش منابع انگلیسی صفحه ۴۵ در منبع دوم، «of» به‌صورت «os» نوشته شده است و در منبع ششم نیز oflanguage دیده می‌شود. در «واژه‌نامه فارسی به انگلیسی» کتاب در یک مورد (ص ۲۵۹)، channel به‌صورت cannel آمده است.
- واژه «کنبرا» (ص ۳۸) در صفحه ۴۲ به‌صورت «کانبرا» آمده است.
- صورت انگلیسی دو واژه «بالارد» و «پژوهش نیوبولت» که در صفحه ۳۶ عدد زیرنویس دریافت کرده‌اند، در صفحه ۳۷ آمده است.

اصطلاحاتی که در این کتاب به کار رفته است، مربوط به زبان‌شناسی نقش‌گرا و به طور خاص دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی است. خوشبختانه پیشینه اصطلاحات این رویکرد زبان‌شناسی در زبان فارسی دارای برابرنهادهای خوبی است و مترجم نیز در این کتاب از آنها به نحو مقتضی بهره گرفته است. تنها خرده‌ای که از این لحاظ می‌توان بر کتاب گرفت، اختیارکردن برابرنهادهای چون «منش سخن» برای «mode of discourse» است که چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. همچنین ترکیب‌هایی چون «Aural Channel» برابر با «کانال سمعی» و «Visual Channel» برابر با «کانال بصری» را می‌شد به برابرنهادهای مناسب‌تر یا دست‌کم فارسی‌تری چون «کانال شنیداری» و «کانال دیداری» ترجمه کرد.

کتاب دارای مقدمه‌ای طولانی از مترجم است که درآمد خوبی به زبان‌شناسی نقش‌گرا و رویکرد هالیدی به آن است و به نظر می‌رسد مطالعه آن، کمک زیادی به خواننده برای فهم مطالب کتاب می‌کند. همچنین معرفی کوتاه دو نویسنده کتاب در آغاز آن، خواننده را با ذهنیت مشخص‌تری وارد کتاب می‌کند. هر فصل کتاب هم دارای یک مقدمه است و زمینه ورود به بحث آن فصل خاص را فراهم می‌کند. در کتاب همچنین از نمونه‌ها و داده‌های زیادی استفاده شده است و کتاب بی‌بهره از انگاره و جدول هم نیست. دو واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی هم در کتاب دیده می‌شود که گذشته از ایرادهایی که می‌توان برای آنها برشمرد، برای خواننده کتاب سودمند است. قسمت «مطالعه بیشتر» در پایان کتاب نیز دربردارنده مشخصات و معرفی کوتاهی از شماری از منابع سودمند مرتبط به موضوع بحث کتاب است که آن‌هم خواننده علاقه‌مند را در پیگیری مطالب کتاب یاری می‌کند.

این کتاب به عنوان منبعی مکمل در درس‌هایی چون تحلیل گفتمان و کاربردشناسی و در حد کمتری در جامعه‌شناسی زبان به دانشجوی معرفی شود. با توجه به آنکه این کتاب در حوزه مطالعات بافت و متن اکنون تبدیل به کتاب کلاسیکی شده است، می‌توانیم بگوییم که در این دو زمینه، نگاه موثقی به دانشجوی می‌دهد و پایه خوبی در او برای پیگیری بیشتر این دو زمینه فراهم می‌آورد. البته استفاده بهینه از این کتاب در دوره کارشناسی ارشد صورت می‌گیرد که به طور خاص می‌تواند دانشجوی را به صورت پایه‌ای با رویکرد نقش‌گرا با دو موضوع مهم بافت و متن آشنا کند.

از نظر انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن، بر خود کتاب خرده‌ای نمی‌توان گرفت و هر آنچه در کتاب آمده است، با عنوان کتاب و عنوان‌های اصلی و فرعی فهرست هم‌خوان است.

اما در ترجمه کتاب، بی‌دقتی‌هایی شده است. برای نمونه عنوان فرعی پایانی فصل ۶ در فهرست کتاب، «متن و بی‌مانندی آن» است، اما وقتی به صفحه مربوطه در متن کتاب رجوع می‌کنیم، با «متن و بی‌مانندی‌اش» روبه‌رو می‌شویم. همچنین پس از این عنوان در همین فصل ۶ در متن کتاب چند عنوان دیگر هم آمده است که هیچ‌یک در فهرست کتاب دیده نمی‌شود!

از زمان چاپ این کتاب به زبان انگلیسی، چنددهه‌ای می‌گذرد. اما با توجه به آنکه این کتاب تبدیل به متنی کلاسیک و موثق در زمینه موضوع خود شده است و با توجه به آنکه در این زمینه، متن کامل به زبان فارسی وجود ندارد، ترجمه آن توجیه‌پذیر است و آنقدر هم زمان بر کتاب نگذشته است که داده‌ها و اطلاعات آن یکسره کهنه و ناآشنا شده باشد.

استفاده نویسنده از داده‌های واقعی و حرکت از نظریه به سوی تحلیل داده‌ها و از سوی دیگر، کوشش برای معنامند کردن نگاه نقش‌گرا به زبان، بافت و متن در زمینه آموزش و کار معلمی، از برجستگی‌های کار نویسندگان این کتاب است. همان‌گونه که از کتابی چون این انتظار می‌رود، بر هر فصل کتاب و کل کتاب انسجام ساختاری و منطقی لازم حاکم است. مطالب کتاب، کل به هم‌پیوسته‌ای را شکل می‌دهد و در آن پراکندگی و ابهام دیده نمی‌شود. انگاره‌ها و جدول‌های داده‌شده در کتاب هم با متن آن به طور کامل مرتبط است و آنها را به‌صورت خلاصه و فشرده بیان می‌کند.

در بخش منابع کتاب، آثار معتبری دیده می‌شود، هرچند به طور کلی حجم بخش منابع کتاب زیاد نیست. اما در متن کتاب، ارجاعاتی که به منابع دیگر داده شده است، به‌جا و مناسب است. حجم کم منابع کتاب را البته آثاری که در بخش «مطالعه بیشتر» به خواننده معرفی شده است، تا حدود زیادی جبران می‌کند. اما به منابعی که مترجم در نوشتن مقدمه خود از آنها بهره گرفته است، این خرده وارد است که مترجم به‌جای ارجاع دادن به منابع درجه دومی چون باطنی، نبوی و مهاجر و نبوی می‌توانست به منابع اصلی رجوع کند، زیرا این منابع اکنون به‌راحتی در دسترس پژوهشگر ایرانی قرار دارند.

مأخذ همه منابع استفاده شده ذکر شده است. به عبارت دیگر در متن اصلی کتاب، ارجاعات و استنادها با دقت صورت گرفته است. اما در «مقدمه مترجم» در جاهای بسیاری نیاز بوده است که مترجم، نشانی منبعی را که مطلبی مستقیم یا غیرمستقیم از آن برگرفته شده ذکر کند، چون بی‌گمان این مطالب همه از خود مترجم نیست. برای نمونه، آنچه در صفحه ۲۶ آمده است و یا جدول‌ها و انگاره‌هایی که در این مقدمه آمده، همگی نیازمند دادن نشانی منبع/منابعی است

که مطلب، جدول یا انگاره از آن / آنها برگرفته شده است.

نکاتی درباره ترجمه

ترجمه چنین کتاب‌هایی که از آثار کلاسیک رشته‌ای هستند، به پیشرفت ریشه‌ای علم در کشور ما کمک می‌کند. بنابراین آثار مثبت زیادی هم دارند. ترجمه کتاب به طور کامل انجام گرفته است، اما همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، مترجم مقدمه خوبی هم بر آن نوشته است که برای خواننده ایرانی سودمند است. کتاب امانت‌دارانه ترجمه شده است. اما نیاز بود که مترجم پس از تمام کردن ترجمه، آن را بیشتر می‌خواند و پیش از چاپ کتاب هم به ویرایش آن توجه بیشتری می‌کرد، زیرا در مواردی بر ترجمه کتاب ایرادهایی وارد است. برای نمونه در صفحه ۲۰۵، ما پاره‌گفتار «این سه مشخصه به ترتیب هستند» را داریم که به نظر می‌رسد بسیار متأثر از ساختار جمله متن مبدأ است و بهتر بود که به چیزی همانند «این سه مشخصه به ترتیب خاصی به دنبال هم قرار دارند» ترجمه می‌شد. همچنین ترجمه دقیق «I don't want this one» در مثال ۵.۱۱ صفحه ۱۷۶، «من این یکی را نمی‌خواهم» می‌تواند باشد، نه «من این را نمی‌خواهم».

در ترجمه کتاب به اصول ترجمه (معادل‌یابی دقیق، توضیح و نقد مطالب به‌صورت نگارش مقدمه، پاورقی و پی‌نوشت) توجه شده است و کتاب از این منظر نمره خوبی می‌گیرد. چون مقدمه مفصل مترجم بر کتاب به فهم آن کمک می‌کند، برابرنهادهای فارسی برای اصطلاحات انگلیسی به غیر از چند مورد سنجیده هستند و برابره‌های انگلیسی بسیاری از واژه‌ها هم در زیرنویس‌های کتاب آمده است.

جمله‌های طولانی و نفس‌گیر، بی‌دقتی در برگردان اصطلاحات و عدم یکدستی در انتخاب برابرنهادهای، برخی از اشکال‌هایی است که در ترجمه اثر مشهود است. همچنین در مواردی جمله‌ها نیاز به ویرایش فارسی دارند. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در شناسنامه سرشناسه مؤلف، «هالیدی» ذکر شده است، در حالی که در فهرست کتاب، پایین همان صفحه و پشت جلد، مؤلف «هلیدی» نامیده شده است.

معرفی مایکل هلیدی: در متن کتاب نیز هلیدی اینگونه معرفی شده است: «مایکل هلیدی در سال ۱۹۲۵ در شهر لیدز انگلستان متولد شد»؛ بی‌آنکه ما نام کامل نویسنده را بدانیم و اینکه اگر «ام.» نام کوچک مؤلف و مخفف مایکل است، پس دو حرف «ای» و «کی»، مخفف چه هستند؟ به‌ویژه آنکه نمی‌دانید «ای» مخفف a است یا e. به‌نظر می‌آید که بهتر آن بود مترجم در

اولین باری که از مؤلف نام می‌برد، صورت لاتین این نام را در پاورقی می‌آورد. در همین صفحه محل فعالیت وی در سال ۱۹۶۳ ادینبروگ، بدون آوردن صورت لاتین آن ذکر شده است که با مراجعه به فرهنگ تلفظ نام‌های خاص (مجیدی، ۱۳۸۱)، ادینبرو/ ادینبرا درست است و این نام گاهی در فارسی ادینبورگ هم آمده است. ولی به نظر می‌رسد ادینبروگ به احتمال اشتباه چاپی است که از نگاه تیزبین ویراستاران و نمونه‌خوانان به دور مانده است. در همین صفحه عبارت Linguistic Properties of Scientific English که در متن اصلی، حرف اول کلمات با حروف بزرگ آمده است، در پاورقی با حروف کوچک آمده است و به جای قابلیت‌های زبانی انگلیسی علمی، مشخصه‌های زبانی انگلیسی علمی آمده است. در ادامه در صفحه بعد، سمت مؤلف در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۸ را مشاور پروژه تکامل زبان مرکز توسعه برنامه ذکر می‌کند که هم در پاورقی، عنوان را با حروف کوچک نوشته است و هم معادل صحیح آن به نظر مرکز برنامه آموزشی توسعه: طرح توسعه آموزش زبان باشد، زیرا development به معنای توسعه است و تکامل در انگلیسی evolution است. در همین صفحه در چند سطر پایین‌تر در برابر عبارت advanced, Center for Advanced Study in the Behavioral Science را به جای پیشرفته (مطالعات پیشرفته)، جدید (مطالعات جدید) معنی کرده، علاوه بر اینکه در زیرنویس هم طبق معمول، حرف اول کلمات را با حروف بزرگ نیآورده است. در همین صفحه دانشگاه اروین کالیفرنیا را به صورت ایروان نوشته است که ممکن است خواننده آن را با پایتخت ارمنستان اشتباه بگیرد؛ در حالی که این در غرب آمریکاست و آن در شرق جهان (ارمنستان).

زندگینامه رقیه حسن: تکرار اسم خاص ادینبرو به صورت ادینبروگ در این قسمت هم گمان اشتباه تاییی بودن را کم‌رنگ می‌کند. درباره اسم خاص نورث وسترن هم یک غلط تاییی دیگر از نظر ویراستاران به دور مانده است و به صورت نورث‌وترن آمده است و «اوانستون، ایل» به جای «اوانستون، ایلینویز» و به جای دانشیار، از استاد همکار استفاده کرده است. در پاورقی این مطلب علاوه بر اینکه نام مراکز و طرح‌های پژوهشی با حروف کوچک آورده شده است، بلکه به جای Punjab در زیرنویس ۲، Panjub آمده است.

به نظر می‌رسد چون مترجم واسطه میان متن و خواننده است، باید به کلیه پرسش‌های خواننده مانند تلفظ صحیح اسامی و کلمات و نیز اطلاعات اضافی برای درک بهتر متن پاسخ دهد و جست‌وجو کند. چنان که نویسنده این سطور برای جانمایی و اطلاع دقیق از شهر و دانشگاه اروین به منابع اطلاعاتی مراجعه نموده و دانسته شد که شهری در کنار اقیانوس آرام و

جزء ایالت کالیفرنیاست، ذکر نشدن صورت لاتین این اسم به طور حتم خواننده را به اشتباه می‌اندازد. علاوه بر این مترجم باید درصدد حل کلیه دشواری‌های متنی باشد، نه اینکه در مراجعه به فرهنگ لغت در مقابل associate معادل‌های «(با هم) پیوند دادن، (به هم) ربط دادن، (به هم) مربوط کردن، (به هم) وابسته کردن؛ with, be associated oneself associated with هم‌دست بودن با، شریک بودن با، دست داشتن در، شریک داشتن در...» را ببیند و در سطر پایین آن associate professor را به معنی (در آمریکا) دانشیار ببیند و آن را استاد همکار معنی کند.

جالب آنکه مترجم در مقدمه در انگاره^۱ (!؟) یک به نقل از (احمدی ۱۳۹۰: ۴۲) از اصطلاحات موضوع سخن، عاملان سخن و شیوه سخن که اصطلاحاتی رسا و جاف‌تاده هستند استفاده کرده، حال آنکه در متن، واژه‌های مبهم و نارسای گستره، منش و شیوه را جایگزین آنها کرده است:

- در صفحه ۳۳، در سطر پنجم می‌توان تتابع اضافات «تردیدهای جدی در مورد چگونگی تداوم تکامل توانایی‌های زبانی برانگیخته...» را به دو یا چند جمله تبدیل کرد و این جمله نفس‌گیر را اصلاح کرد.

- صفحه ۳۴، سطر ۳: جمله «زبان خود نه تنها بخشی از تجربیات بلکه عمیقاً علاقه‌مند به روش‌ها در ساختن و سازمان دادن به هم هست» که ترجمه سراسر آن می‌شود: «... بلکه عمیقاً متضمن روشی است که ما در ساختن و سازمان دادن به تجارب در پیش می‌گیریم». مترجم محترم در جست‌وجوی واژه involve با کمی دقت بیشتر نسبت به عبارت be deeply/ intently/ involved in سخت علاقه‌مند شدن به؛ عمیقاً علاقه‌مند بودن به؛ غرق در... بودن و شباهت آن با intimately/ involved in آن را به‌صورت بالا ترجمه کرده‌اند و به غرابت جمله نیندیشیده‌اند. اگر ایشان ذیل خود involve دقت بیشتری می‌کردند، در دومین معنای این واژه به عبارت «مستلزم... بودن، متضمن... بودن، در پی داشتن» برمی‌خوردند و فاعل جمله را که زبان باشد، علاقه‌مند به چیزی نمی‌کردند و متضمن یا مستلزم چیزی می‌دانستند. در همین صفحه در آخرین جمله قبل از آخرین بند، این جمله را می‌خوانیم: «انواع دانش‌های زبانی در دسترس مریبان بسیار محدود است» که ترجمه صحیح آن می‌شود: «... مواد زبانی

۱. فرهنگ معین: ۱- پندار، وهم، گمان ۲- داستان، سرگذشت، افسانه ۳- اندازه، مقیاس ۴- حساب، دفتر حساب

۵- «نق» طرح یا نقشی که کشیدن آن ناتمام مانده باشد.

فراهم آمده برای نوآموزان زبان بسیار محدود است» که مترجم محترم واژه learner را به مریبان ترجمه کرده‌اند. حال آنکه این واژه مطابق فرهنگ هزاره اینگونه معنی شده است: ۱- شاگرد، مبتدی، نوآموز. بلافاصله در سطر بعد ابتدای آخرین بند از «شماره‌های این سری تک‌نگاشت‌ها» [از جمله کتاب حاضر] بحث شده که به‌جای شماره‌ها، volumes باید مجلدات باشد. به عبارت «شماره‌ها» بارها در این بخش برمی‌خوریم که یا جای volume آمده یا جای issues.

- در صفحه ۳۵، مترجم نیوساوت ولز را که اسم مکان است به ولز جنوبی جدید ترجمه کرده است و عبارت «... لیندلی ماری دستور انگلیسی (۱۷۹۵) خود را آماده می‌کرد...» این شائبه را ایجاد می‌کند که وی رمان‌نویس بوده و کتابی درباره سرویس‌های امنیتی انگلیس نوشته است. حال آنکه در متن اصلی صحبت از Grammar است و نه Command یا order و در فارسی باید «دستور زبان انگلیسی» ترجمه کنیم. چند سطر پایین‌تر، مورل morerl «بازرس تأثیرگذار مدارس انگلستان» باید بشود: «بازرس ذی‌نفوذ مدارس انگلستان».
- در صفحه ۳۶ سطرهای ۱۳ و ۱۴: «... در واقع بسیار کوشید تا سنت‌های بلاغی کهن را تحریف و تخریب کند. بیش از هر چیز البته بدین خاطر که نیازی به مبنایی برای توجه به معنا در زبان احساس نمی‌کرد» که ترجمه سرراست آن می‌شود: «او توجه اصلی به مفهوم را نادیده گرفته بود». در پایان همین صفحه، آشفتگی در صفحه‌آرایی هست و سه ارجاع به پاورقی مربوط به صفحه بعد در این صفحه آمده است.
- ص ۳۷: ادامه همان دستور به‌جای دستور زبان به طور مکرر و اشکال صفحه‌بندی در ترتیب پاورقی‌ها.
- ص ۳۸، ابتدای بند اول: «شماره‌های این مجموعه» به‌جای «مجلداتی از این مجموعه»، در سطر ششم همین بند، تکرار «تکامل زبان» به‌جای «توسعه زبان». سطر سوم ماقبل آخر صفحه، عدد ۱ در قلاب آمده است که در هیچ کجای کتاب (مقدمه مترجم یا حتی زیر همین صفحه) توضیحی درباره آن داده نشده است و به نظر کار خود مترجم است که نام کتاب‌های منتشرشده از گزارش‌های طرح توسعه را که در متن اصلی در داخل متن آمده است، برای زیبایی و یکدستی ترجمه، آن را به پایان فصل منتقل کرده است. در سطر پایانی همین صفحه، پارامجمله «... که البته

شماره‌های این سری حاضر را هم ممکن ساختند» به جای «... که موجب تکوین مجلداتی از این مجموعه شدند» آمده است.

- ص ۳۹، پایان سطر اول: باز تکرار شماره به‌جای «جلد یا کتاب» و ابتدای سطر ۸ باز هم تکرار شماره به‌جای مجلد و نیز در سراسر این صفحه تکرار دستور به‌جای دستور زبان.

- ص ۴۰، ابتدای بند: «دستور نقش‌گرای هلییدی مبنای ده شماره این مجموعه است» به جای «... زمینه‌ساز تمام ده مجلد این مجموعه است».

Halliday's functional grammar lies behind all ten volumes in this series.

- در سطر ماقبل آخر این صفحه، «نسخه» به‌جای «گزارش» (version).
- در صفحه ۴۱: مترجم خواننده را با جمله‌های طولانی و نفس‌گیر که باعث گم‌کردن معنا می‌شود مواجه می‌کند؛ زیرا اولین بند این صفحه با جمله‌ای شش سطری آغاز می‌شود و با جمله‌ای چهار سطری ادامه می‌یابد که هنر مترجم باید این جمله‌ها را به چند جمله مستقل تقسیم کند تا به خواننده در بهتر فهمیدن مطلب کمک کند. علاوه بر آن شماره‌ها به جای مجلدات این مجموعه در ابتدای همین بند باز هم تکرار شده است.

- در صفحه ۴۲: باز تکرار ولز جنوبی جدید به‌جای نیو ساوث ولز. در سطر پنجم بند دوم این صفحه نوعی زبان‌شناختی آموزشی به‌جای زبان‌شناسی آموزشی و در سطر ماقبل پایانی «توانمند شده» به جای مقتدر.

- در صفحه ۴۳: باز جمله‌های طولانی به طوری که ۳۱ سطر این صفحه و نیم‌صفحه بعدی در مجموع از چهار جمله تشکیل شده است که میانگین هر جمله، پنج سطر می‌شود.

در ادامه به تفکیک فصل‌های مختلف، نقدهایی مطرح می‌شود.

نکاتی درباره فصل اول

- بافت موقعیتی ص ۵۰ سطر سوم ماقبل آخر: «گونه‌های معامله» به‌جای «روش‌های دادوستد» و «گونه‌های پوشاک» به‌جای «طرز لباس پوشیدن» (modes of dress).

- ص ۵۱ سطر اول بند اول: واژه پدیده در برابر entity که صحیح نیست. Entity در لغت به معنای ۱- هستی، وجود، کون، موجودیت؛ ۲- ذات، موجود، چیز، شیئی، جوهر (فرهنگ هزاره) است و پدیده در برابر فنومن انگلیسی است و این دو اصطلاح، اصطلاحات فنی فلسفی هستند و به کاربردن آنها به جای هم اشتباه است. چنان که ما دو مقوله به کلی مجزای هستی‌شناسی و پدیدارشناسی داریم.
- ص ۵۲: سطر اول واژه «فراز» به نظر زائد می‌آید.
- ص ۵۳: سطر سوم از بند پایانی، «[زبان] کریوینان» به جای «کریوینی» (kiriwinian).
- ص ۵۴: عبارت «زمینه متنی» به جای con-text به نظر می‌رسد که باید خود عبارت انگلیسی را بگذاریم، زیرا صحبت از این است که پیش‌تر به جای context از عبارت con-text استفاده می‌شده است که چون خواننده به اصل متن دسترسی ندارد، بهتر است که این دو صورت عبارت با هم بیاید تا این تمایز در نزد مخاطب روشن شود. افزون بر آنکه نویسنده در منابع در دسترس صورت مجزا و معنی آن را نیافت. شاید بهتر بود اگر در جایی به کار رفته است، مترجم منبع آن را می‌آورد.
- ص ۵۶، سطر ۱۰: «درون یا بیرون» به جای «محیط سربسته یا سرگشاده»، بند دوم سطر ۳: «بافت کاربردشناختی» به جای «بافت کاربردی» (pragmatic context) و در پایان این سطر و سطر بعد: «شیوه‌ای نه‌چندان مستقیم‌تر» به جای «شیوه‌ای نه چندان مستقیم» (slightly less direct manner).
- ص ۵۷ سطر دوم: شاید «بدوی» بهتر از «ابتدایی» باشد. به علاوه در پاورقی هم در برابر آن primitiven به جای primitive آمده است و در نقل‌قولی که چند سطر بعد می‌آید و نمی‌دانم چرا با یک خط عمودی جدا شده است، تأکید می‌کند که من گفتار فرهیخته علمی «در برابر» را به جای «در تقابل با» گفتار ابتدایی قرار دادم که تأکیدی است بر تقابل بدوی در مقابل متمدن و نه انتهای در مقابل ابتدایی. در این نقل‌قول، ترجمه با دقت انجام نگرفته است، چنان که به جای «برابر» باید از «تقابل یا مقابل» استفاده شود؛ زیرا «برابر» معنی معادل و مساوی هم می‌دهد که ممکن است ایجاد ابهام نماید. به جای «منابع کاربردشناختی» (pragmatic sources) پیشنهاد «منابع عملی» می‌کنم. برای جمله پایانی این نقل‌قول به جای «بین استفاده ابتدایی (savage

(use of words) از واژه‌ها و انتزاعی‌ترین و نظری‌ترین استفاده از آن قدری تفاوت وجود داشت»، این جمله را صحیح‌تر می‌دانم: «بین کاربرد بدوی واژگان و انتزاعی‌ترین و نظری‌ترین استفاده از آن تنها از نظر مرتبه تفاوت وجود دارد» (There in only a difference of degree) و در عبارت پایانی این نقل‌قول به‌جای «مشتق» می‌توان «ناشی می‌شود» را ترجیح داد.

• ص ۶۰: در آخرین مفهوم مشخص شود جلوی عبارت هنجارهای تعامل، عدد ۱ داخل کمانک قرار گرفته است [۱] که نه در این صفحه و نه در مقدمه، هیچ‌جا از محل ارجاع آن حرفی به میان نیامده است. در متن اصلی هم چنین ارجاعی نیست و مترجم محترم در پایان این فصل زیر عنوان «پی‌نوشت» نسخه اصلاح‌شده بدین صورت است (دورانی، ۱۹۸۵: ۲۰۹) که ارجاع فارسی زائد به نظر می‌آید، زیرا در پایین جدول به درستی ارجاع به طور کامل آمده است و مترجم هیچ توضیحی نداده است که این قسمت را از کجا آورده است (زیرا در متن اصلی نیست). این منبع در کتابشناسی هم نیامده است.

• ص ۶۷: متنی داخل کادر آدرس ملک: «خیابان ۱۴ تونینتر؟» به‌جای «شماره ۱۴ خیابان تونین‌تری (تیردوقلو!)». در زیر این کادر ذیل توصیف موقعیتی، گستره: جمله به‌کلی نارسا و ترجمه غیر تخصصی است. متن یک متن حقوقی (مربوط به معاملات ملکی) است و طبق دستورالعمل مراجع قانونی تنظیم شده است و بهتر است با همان ادبیات و اصطلاحات ترجمه شود. Verbal regulation قاعده کلامی ترجمه شده است که به نظر نادرست می‌آید و شاید صحیح آن «دستورالعمل لفظ‌به‌لفظ یا طبق آیین‌نامه» باشد و در ادامه، ترجمه sanction به «مجازات» باید نادرست باشد و به احتمال «مجوز» صحیح است و در ذیل «شیوه» هم شاید معاملات غیر شفاهی رساتر از معاملات غیر کلامی باشد.

• ص ۶۸: در متن انگلیسی ۱۰۲ در سطر پنجم، غلط تایپی «os» به‌جای «of» و در کادر پایین آن در متن فارسی سطر دوم «اواسط قرن بیستم» به‌جای «نیمه قرن بیستم» (اواسط، قید مبهم است).

• ص ۶۹: ذیل منش به نظر مرجعیت به‌جای authority فنی‌تر و کامل‌تر از دو برابر نهاده اقتدار و نفوذ است؛ به ویژه اینکه بحث درباره کشیش و جایگاه شخصی و

فقاہتی اوست.

- ص ۷۰: در آیت ۷ ستون دوم در مقابل outcomes، «برودن داده‌ها» آورده‌اند که پیش‌تر این معادل را برای output استفاده کرده بودند. در فرهنگ‌هایی برای outcomes، «بازده» آمده است.

نکاتی درباره فصل دوم

- ص ۷۱: نقش‌های زبانی، مقدمه، سطر اول: از مفهوم «نقش‌های زبانی» چه می‌فهمیم؟ به نظر می‌رسد اگر معادل انگلیسی نقش‌های زبان (functions of language) را در پاورقی می‌دادند، مناسب بود تا خواننده آن را برای مثال با Roles language اشتباه نگیرد. چنان‌که در ادامه «نقش» را مترادف «کاربرد» تعریف کرده است. در انتهای همین صفحه، یک اشتباه صفحه‌آرایی به چشم می‌خورد؛ یعنی پاورقی ۱ در صفحه بعد آمده است.
- ص ۷۲ بند دوم، پایان سطر اول: «آموزگار انگلیسی» به جای «آموزگار زبان انگلیسی» (English educator) آمده است.
- ص ۷۳: در پاورقی ششم، مترجم اصطلاح «تبادل هم‌دلی» را در برابر Phatic communion قرار داده‌اند که در فرهنگ‌هایی از معادل «باب صحبت‌گشایی» استفاده شده است که به نظر می‌آید بهتر از عبارت مبهم «همدلی» باشد که «سمپاتی» را به ذهن متبادر می‌کند.
- ص ۷۷: غلط تایپی در شکل ۲۰۱، ذیل کاربردشناختی، ذیل روایی «باز نمانده» به جای «باز نماینده».
- ص ۸۵ سطر پنجم: غلط تایپی «آغازگر - پیام‌بخش» به جای «آغازگر - پایان‌بخش».
- ص ۹۲ آیت ۱: «فکری‌ترین» به جای «متفکرانه‌ترین» (Highly Thoutful).

نکاتی درباره فصل سوم

- تنوع سیاق؛ ویژگی‌های زبانی و موقعیتی، متن ۳۰۱ صص ۹۷: در این صفحه چون هر دو متن با هم آمده است، مخاطب خود می‌تواند آن دو را مقابله کند، ولی در قسمت دوم صحبت نایجل: «اینجا خط راه‌آهنه ... اما قطار نمی‌تونه از روش بره»، درست آن

شاید این باشد: «... اما برای این نیست که قطار از روش بره». در جملهٔ اول فاعل، قطار است و در جملهٔ دوم و متن انگلیسی، تکیه بر خط آهن است: But it not for the train go on that. بنابراین در جواب: پدر: «نمی‌تونه؟» به‌جای «نیست؟» «isn't it?».

- ص ۱۰۲، سطر ۳، غلط تایپی: «لوکوموتیو» به‌جای «لوکوموتیو».
 - ص ۱۰۴، بند اول، سطر ۵: «بازوها از شانه جلو و عقب شود» (body relaxed, arm swinging from the shoulders) به‌جای «بدن شل، بازوها را از شانه حرکت دهید»؛ زیرا swing فقط معنی جلو عقب بردن را نمی‌دهد علاوه‌بر آن نمی‌توان بازوها را از شانه عقب و جلو برد. از آرنج شاید بتوان انجام داد. به‌احتمال منظور چرخاندن بازوها حول شانه است.
 - ص ۱۰۴، سطر ۹: به‌جای «چفت» شاید «بست» بهتر و مناسب‌تر باشد. در سطر پایانی این صفحه «گه‌گاه همچنین دردی را با خودم دارم و اصلاً کاری برایش نکردم» به‌جای «مدت مدیدی است که درد دارم، هی می‌گیره هی ول می‌کنه. هیچوقت نتونستم علاجش کنم».
- «I've been having this pain. Had it on and off for ever such a long time and never done anything about it...»
- ص ۱۰۷: «مراقب بادهای آرام باشید» (see slight on a low swell) به‌جای «دریا آرام است» (sea slight on a low swell) و غلط تایپی «see» به‌جای «sea» با توجه به توضیح بعدی درباره جغرافیای مورد نظر.
 - ص ۱۰۹ سطر دوم: «درد نماهای‌اش» به‌جای «علائم بیماری‌اش»
 - ص ۱۱۱ سطر ۵: «افسر» به‌جای «ناوبر» (navigator) و سطر ۸: «آنها از الگوهای قدیمی یا هرچیزی مثل آن استفاده نمی‌کنند» به‌جای «آنها دربارهٔ آخرین مدها یا چیزهایی از این دست بحث نمی‌کنند»
- They will not discussing the latest fashions, or anything of that kind.
- در بند بعدی همین صفحه، مترجم دچار خودسانسوری شده است و بی‌آنکه مخاطب را در جریان بگذارد، به‌جای اصطلاحات «بازی بریج» از «نظام! آفساید» صحبت می‌کند. مترجم می‌توانست پس از جملهٔ «... بسیاری از زبان‌های بازی ماهیتی محدود دارند...»

در پاورقی توضیح دهد که نویسنده درباره اصطلاحات بازی بریج مثال‌هایی می‌آورد که چون این بازی و اصطلاحات آن برای بیشتر خوانندگان ناآشناست و با فرهنگ ما تناسبی ندارد، از ترجمه آن خودداری می‌کنیم و به‌این ترتیب هم به خواننده احترام می‌گذاشت و هم امانت را رعایت می‌کرد و هم ارزش‌ها را پاس می‌داشت.

- در همین صفحه در تیتیر سیاق‌های بازتر، مترجم دچار بدفهمی شده است و عبارت more open registers به‌معنی سیاق‌های باز بیشتر یا موارد دیگری از این سیاق‌های باز، more را نشانه صفت تفضیلی پنداشته و سیاق‌های بازتر (!) ترجمه کرده است.
- ص ۱۱۴، ابتدای بند اول: «موارد استثنایی» به‌جای «موارد افراطی» (the extreme cases of...) و در ادامه آن کاش به‌جای «زبان‌های مادرزن» از «زبان‌های مادرشوهر» استفاده می‌کرد تا معنی ادامه جمله «گویش کسانی با رابطه خویشاوندی متقابل با هم» را بهتر و رساتر بیان کند. چنان‌که در فرهنگ ما این تقابل عروس و مادرشوهر است که برجسته است و نشانه آن هم گیاه خارداری با نام «زبان مادرشوهر» است، با توجه به اینکه mother-in-law دارای هر دو معنی است، علاوه بر اینکه معنای نامادری هم می‌دهد.

نکاتی درباره خاتمه بخش نخست

- ص ۱۱۹، سطر پایانی: «برگه‌های یادداشت اداری» به‌جای «پیش‌نویس اداری یا ارجاع اداری» (office memorandum) و «برای کنش؟ یا برای اطلاع» به‌جای «جهت اطلاع و جهت اقدام مقتضی» (For action or for information).
- ص ۱۲۰، بند اول سطر دوم: «اینها فرانش‌های شناخته‌شده نظریه نظام‌مند هستند» به‌جای «آنها به‌اصطلاح فرانش‌های...» (They are the so-called META FUNCTIONS of systemic theory)
- ص ۱۲۴، ذیل میان‌متنیت سطر چهارم: «اما درواقع رابطه بین متن و بافت، رابطه‌ای مکالمه‌گون است» به‌جای «رابطه‌ای دیالکتیکی (غیرمنطقی)» است (dialectical one)
- ص ۱۲۸، سطر ۱۱: «من در اینجا قصد کرد چنین کاری ندارم» به‌جای «من در اینجا درصدد چنین کاری نیستم» (and I shall not attempt to do so here) و در

ادامه «... اما تنها بخش بسیار کوچکی از مطالباتی که این جمله را ایجاد کرد...» به جای «اما تنها بخش ناچیزی از مقتضیات این جمله بستگی به فهم اصطلاحات فنی آن دارد» (Demands made by that sentence lies in...). در فرهنگ هزاره ذیل demands: (در جمع) مقتضیات، ضروریات آمده است (The demands of the case).

نکاتی درباره فصل چهارم

- ترجمه در این بخش روان تر و کم اشتباه تر است.
- ص ۱۳۳، سطر ۹: «... بدین ترتیب می توانند ارزش یادگیری داشته باشند» به جای «... تا به یادگیری آنها کمک کند». Mnemonic value = نیروبخشی حافظه.
- ص ۱۳۵، پاورقی ۱: اشتباه تایپی ITERATION به جای INTERACTION
- ص ۱۵۰: پاورقی ۲ باید Recursion باشد که مقتضی است به واژه نامه هم اضافه شود.
- ص ۱۵۱، پاورقی ۱: اشتباه تایپی «Finis» به جای «Finish».
- ص ۱۶۰، سطر ۱: می توان واژه «خواه» را حذف کرد تا از تکرار می خواهد «خواه» جلوگیری شود و در سطر بعد به جای «خواه»، «یا» گذاشت تا جمله روان تر شود.

نکاتی درباره فصل پنجم

- ص ۱۶۳: سطر دوم بند اول و سطر آخر این بند، «منبع» به جای «خاستگاه» (Source) جمله را روان تر می کند.
- ص ۱۶۶ آیت ۳: نمره اختلاف ۵.۱ و ۲.۵ که اشتباه تایپی به نظر می رسد.
- ص ۱۷۰، سطر ۵: «همین طور» به جای «می نوازد».
- ص ۱۷۲، سطر ۶: خوب است در اینجا معادل انگلیسی «رمزگذاری تلویحی» هم آورده شود (implicit encoding device) و «همین طور» ها در سطرهای ۴، ۸ و ۱۱ بهترست به «می نوازد» تغییر یابد.
- ص ۱۷۳: بهتر است معادل انگلیسی «ابزارهای تلویحی» آورده شود (implicit device).

- ص ۱۷۴: مترجم اصطلاحات CATAPHORICE, ANAPHORIC و EXOPHORIE را به ترتیب «پس‌رو»، «پیش‌رو» و «برون‌متنی» ترجمه کرده است که علاوه بر اینکه دو معادل اول دارای ابهام و ابهام است، در مراجعه به واژه‌نامه همایون با معادل‌های رسا و مشخص «پسارجاعی»، «پیشارجاعی» و «برونارجاعی» مواجه می‌شویم که برای مخاطب بسیار شفاف و جاف‌تاده است. در ابتدای همین صفحه بهتر است معادل انگلیسی «اصطلاح تلویحی» (Implicit term) آورده شود و به واژه‌نامه آخر کتاب افزوده شود.
- ص ۱۷۵، سطر پایانی: باید به اول جمله فارسی، حرف «و» اضافه شود.
- ص ۱۷۶، مثال ۵۰۱: «از من» زاید است.
- ص ۱۸۰، سطر سوم از پایین: «می‌توانیم با زنجیره‌ای با این اعضای پیوند برسیم» به جای «... شامل این اعضای پیوند برسیم». در ادامه همین سطر «دم» به جای «دمبرگ».
- ص ۱۸۲، سطر ۱۳: مترجم اصطلاح MERONYMY را «جزء‌واژگی» معنی کرده است. معادلی به جای معادل مصطلح و همه‌فهم «رابطه جزء به کل» که در کتاب‌های دبیرستانی هم قابل دسترسی است.
- ص ۱۸۳: در مثال ۵.۱۴ به جای «بچه‌ای» همه‌جا «بچه‌ها» صحیح است. همان صفحه در متن فارسی مثال ۵.۱۵: «قانون‌گذاری» به جای «آیین‌نامه» (regulation).
- ص ۱۹۱، سطر ۷: اشتباه تایپی «وژگانی» به جای «واژگانی».
- ص ۱۹۱، سطر ۱۰: «محدودیت زمانی و فضایی» به جای «محدودیت زمانی و مکانی» (time and space)
- ص ۱۹۲: جدول اول، آیت ۹ برای «SE» در این صفحه توضیحی داده نشده است و این توضیح در صفحه بعد آمده است. خوب است در پایان همین جدول توضیح داده شود که «SE» فاعل محذوف و مخفف subject Ellipse است.
- ص ۱۹۹، جدول ۵۰۸، سطر آخر (آیت f): اشتباه تایپی «hoom» به جای «home». علاوه بر آن در متن اصلی، علامت جداکننده «/» ندارد.

- ص ۲۰۱، انتهای صفحه، آیت ۲: «دلیل دوم هنوز ژرف‌تر است» به‌جای «دلیل دوم هنوز پیچیده‌تر است» (the second reason is still deeper). Deep در فرهنگ هزاره به «[راز] مبهم، پیچیده» ترجمه شده است.
- ص ۲۰۴، آیت ۲، سطر پایانی: «همبسته زبانی گوناگونی پیوستگی» در ترجمه «linguistic correlates of variation in coherence»، جمله‌ای نامفهوم و پر از تتابع اضافات است.
- ص ۲۰۷، پاراگراف اول، سطر ماقبل آخر: «رویکردها به‌جای بدیهی داشتن این مبنا در جست‌وجوی مبنای این مبانی است» در ترجمه عبارت «our approach probes the very basis» آمده است که به نظر برای جلوگیری از تکرار، بهتر بود این‌طور ترجمه می‌شد: «رویکرد ما به‌جای بدیهی دانستن این مبنا در پی شالوده آن است».

نکاتی درباره فصل ششم

- این فصل «یکسانی متن» (ص ۲۰۹) ترجمه شده است که به نظر می‌رسد عنوان فصل «هویت متنی» درست‌تر باشد.
- ص ۲۱۱، متن دو زبانه، سطر دوم: «... شفاف‌کننده سریع...» به‌جای «... کرم زیبایی گلوکویک» (Glo-Quick)
- ص ۲۱۵: انگاره در مقابل figure. توضیح: در فرهنگ معین، ذیل واژه انگاره آمده است: «انگاره [← انگار، انگاردن] (۱) ۱- پندار، وهم، گمان ۲- داستان، سرگذشت، افسانه ۳- اندازه، مقیاس ۴- حساب، دفتر حساب ۵- (نق) طرح یا نقشی که کشیدن آن ناتمام مانده باشد». و در فرهنگ هزاره ذیل figure آمده است: «... ۳- نمودار، شکل، تصویر؛ (هندسی شکل) ۴- [شخص، حیوان و غیره] شکل، تصویر، صورت، نگاره، عکس، نقش؛ نقاشی؛ تمثال؛ شمایل».
- به نظر می‌رسد مترجم «انگاره» را به‌جای «نگاره» به کار برده است که آن‌هم در این مورد صحیح نیست و «نمودار»، واژه رساتر و صحیح‌تری است. در همین صفحه زیر همین نمودار در سطر سوم در برگردان اسم فروشگاه‌ها، «میر و مسی» به‌جای «مهیریا مایر، می سیز» (Myer's, Macy) یا مارکز و اسپنسر (marks & spencer's) آمده است.

- ص ۲۱۶، سطر ۸: «امروز از ماریو آوریدم» به جای «...آورده‌ام»
- ص ۲۲۰، جدول، آیتم ۲: «دو هلو یلو استون می‌خوام». شاید بهتر باشد به جای «یلواستون» بگوییم «هسته جدا» که در فارسی مصطلح است.
- ص ۲۲۷: پایین صفحه تکرار «انگاره» این گمان را که بار اول سهو یا اشتباه تایپی باشد رد می‌کند. همچنین در صفحه بعد به طور مکرر.
- ص ۲۲۹، سطر دوم از پایین: «یکسانی متن» به جای «هویت متن» (identity)
- در کل به نظر می‌آید که در این فصل به جای «یکسانی در متن» (identity) «هویت» صحیح‌تر باشد و همچنین به جای «بی‌مانندی» در برابر «uniqueness»، اصطلاح «متشخص» پیشنهاد می‌شود.

نکاتی درباره منابع

- ص ۲۴۹: در این بخش مترجم مشخص نکرده است که آیا این فهرست منابع مربوط به مقاله دوم است یا منابع مقاله اول را هم شامل می‌شود.
- ص ۲۵۰: نظم الفبایی منابع در این صفحه به هم ریخته است، به طوری که منابع با حروف «C»، پس از منابع با حروف «F» آمده‌اند.
- واژه‌نامه: در واژه‌نامه فارسی به انگلیسی این واژگان نیامده است: خرید کردن، سفارش دادن، اصطلاح تلویحی، پایگانی، غیر پایگانی، بافتار، فاعل محذوف، گروه‌بندی معنایی، هم‌متنی و هم‌بسته.
- واژه‌نامه انگلیسی به فارسی: similarity chain «زنجیره‌های مشابه» به جای «زنجیره‌های مشابهت». در مقابل «spoken medium»، «رسانه شفاهی» به جای «رسانه گفتاری». در مقایسه با آخرین واژه این فصل «رسانه نوشتاری» در برابر «written medium». بخش technical terms متن اصلی بدون هیچ توضیحی در متن فارسی نیامده است. مترجم یا ناشر می‌توانست این بخش را بدون ترجمه عیناً در پایان کتاب بیاورد.

۳. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

از این کتاب می‌توان برای تدریس درس تحلیل گفتمان و مکاتب زبان‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته زبان‌شناسی استفاده کرد. بهتر است که مترجم با ویرایش دقیق کتاب و رفع برخی از ایرادهایی که بر ترجمه آن وارد است، آن را در چاپ بعدی به صورتی کم‌عیب‌تر وارد بازار کتاب ایران کند. همچنین توصیه می‌شود که مترجم و ناشر محترم درباره طرح جلد کتاب تجدیدنظر کنند.